

بسمه تعالی
مجلس شورای اسلامی
دوره اول - سال چهارم
۱۳۶۲-۱۳۶۳

۲۰۴

شماره ترتیب چاپ ۲۱۲۱

شماره ثبت دفتر ۷۴۶

شماره ۶۵۳۳۸

تاریخ ۱۳۶۲/۱۰/۵

حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه راجع به دادرسی و کیفر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که بنا به پیشنهاد شماره ۱۵/۲۹۷ مورخ ۱۳۶۲/۸/۲۸ دادگستری جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۳ هیات وزیران به تصویب رسیده است به پیوست تقدیم و تقاضای تصویب آنرا با قید یک فوریت دارد .

نخست وزیر

میر حسین موسوی

نظر به اینکه اکثر قوانین موجود در رابطه با دادرسی و کیفری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بوسیله مجلسین سابق شورا و سنا تدوین و تصویب شده است و با عنایت به اینکه محاکم تجدید نظر از لحاظ مبانی فقهی مردود شناخته شده است و با توجه به اینکه حکم قاضی را جز در موارد استثنائی نمی توان نقض نمود و با التفات به اینکه در قوانین دادرسی و کیفری ارتش هردو مورد فوق بطور وضوح به چشم می خورد لذا در اجرای اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لایحه زیر تقدیم میگردد .

لایحه راجع به دادرسی و کیفر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱ - رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی اعضاء نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران " ارتش، ژاندارمری، شهربانی، سپاه، پلیس قضائی، بسیج، کمیته های

انقلاب اسلامی و هر نیروی مسلح قانونی دیگر " برطبق مواد این قانون در صلاحیت دادگاههای اختصاصی نظامی است .

تبصره - منظور از جرائم خاص نظامی و انتظامی برهه‌ائست که زمینه ارتکاب آن در یک فرد به اعتبار عضویت آن فرد در نیروهای مسلح وجود دارد بنحوی که افراد خارج از نیروهای مزبور فاقد چنین زمینهای هستند ، مانند فرار از خدمت ، لغو دستور ، ترک محل نگهبانی .

ماده ۲ - دادگاههای نظامی به دادگاههای نظامی یک و دادگاههای نظامی دو تقسیم میشوند .

ماده ۳ - رسیدگی به جرائمی که مجازات آنها به حسب قانون ۱۰ سال حبس یا بیشتر و یا اعدام است در صلاحیت دادگاه نظامی یک میباشد این دادگاه مرکب است از یک رئیس یا عضو علی‌البدل و یک مشاور که مشاور (الزاما) از میان حقوقدانان نظامی تعیین میگردد ، حق رای با رئیس یا عضو علی‌البدل دادگاه است لیکن قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده نظرات خود را مستدلاً بصورت کتبی اعلام نماید .

ماده ۴ - نظرات دادگاه نظامی یک که منتهی به کیفر اعدام یا ده سال زندان یا بیشتر است اعم از اینکه متهم یا دادستان اعتراض کرده باشند یا نه با رعایت تشریفات مادتین ۲۸۷ و ۲۸۸ قانون اصلاح موادی از آئین دادرسی کیفری در دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت .

تبصره - هرگاه جرمی به اعتبار کیفر قانونی در صلاحیت دادگاه نظامی یک باشد و بعد از ختم دادرسی معلوم شود که کیفر آن کمتر از اعدام یا ده سال حبس است ، دادگاه نظامی یک در مورد آن مبادرت به انشاء حکم خواهد نمود . رسیدگی به سایر جرائم (غیر از آنچه در صلاحیت دادگاه نظامی یک هست) در صلاحیت دادگاه نظامی دو میباشد . این دادگاه مرکب است از یک رئیس یا عضو علی‌البدل و یک مشاور ، در صورتیکه رئیس یا عضو علی‌البدل از میان حقوقدانان نظامی تعیین گردد انتخاب مشاور الزامی نیست در غیر اینصورت الزاما مشاور از میان حقوقدانان نظامی تعیین میشود . حق رای با رئیس یا عضو علی‌البدل دادگاه است لیکن قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده و نظرات خود را مستدلاً بصورت کتبی اعلام نماید .

تبصره ۱ - هرگاه در محلی دادگاه نظامی دو تشکیل نشده و یا تشکیل شده ولی

پرونده‌هایش مترادف است دادگاه نظامی یک می‌تواند به پرونده‌های که در صلاحیت دادگاه نظامی دو می‌باشد نیز رسیدگی نماید ،

تبصره ۲ - بطور کلی صلاحیت مخلی در رسیدگی محاکم نظامی معتبر است لیکن هرگاه مقتضیات امر ترتیب دیگری را ایجاب نماید به تقاضای دادستان کل کشور و تشخیص دیوانعالی کشور رسیدگی موضوع به‌حوزه دیگری اخلاله می‌شود .

ماده ۶ - هرگاه شخصی متهم به ارتکاب چندین جرم از انواع مختلف باشد ، در دادگاهی محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به‌جرمی را دارد که مجازات آن اشخاص است .

ماده ۷ - در معیت هر دادگاه نظامی یک دادسرا مرکب از یک دادستان و به‌تعداد کافی بازپرس و دادیار و کارمند دفتری وجود خواهد داشت چنانچه اقتضا نماید در تهران یا در بعضی از مراکز استانها یا شهرستانهای مهم به‌تشخیص شورای عالی قضائی چند دادگاه نظامی تشکیل شود وظایف دادستانی تمام این دادگاهها به‌عهده یک دادستان خواهد بود .

ماده ۸ - دادستان دادگاههای نظامی مقیم مرکز نماینده دادستان کل کشور می‌باشد و بمنظور رعایت وحدت رویه حق نظارت و بازرسی بر دادسراهای نظامی سراسر کشور را داشته و عنداللزوم می‌تواند یک یا دو معاون داشته باشد .

ماده ۹ - تخفیف مجازات و یا عفو که در باره محکومین دادگاههای نظامی از سوی دادستانهای مجری احکام در شهرستانها تقاضا می‌شود پس از تأیید دادستان دادگاههای نظامی تهران از طریق دادستان کل کشور به دیوانعالی کشور تقدیم خواهد شد .

ماده ۱۰ - اختیارات و وظایف دادستان و بازپرس و دادیاران دادسراهای نظامی با رعایت مقررات این قانون همان اختیارات و وظایفی است که در قانون آئین دادرسی کیفری برای دادستان و بازپرس و دادیار دادرسی عمومی تعیین شده است و آئین رسیدگی به ترتیب مقرر در قانون مزبور خواهد بود .

ماده ۱۱ - کلیه قوانینی که با این قانون منافی است ، ملغی است . / ض

نخست‌وزیر وزیر دادگستری وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وزیر کشور

تاریخ چاپ ۶۲/۱۰/۱۸
آداره کل قوانین

(تقاضای فوریت به‌تصویب نرسید .)

اصل چهارم قانون اساسی

کلیه قوانین ومقررات مدنی ، جزائی ، مالی ، اقتصادی ، اداری ، فرهنگی ، نظامی ، سیاسی وغیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد . این اصل بر اطلاق یا عموم همماصول قانون اساسی و قوانین ومقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است .

ماده ۲۸۷ و ۲۸۸ قانون اصلاح مواد ۱ تا ۱۱ دادرسی کیفری

ماده ۲۸۷ - رئیس دادگاه کیفری یک پس از رسیدگی ومحاكمه متهم ومطالعہ پرونده ونظریه مشاور هرگاه نظرش منتهی به برائت متهم ویا به کیفری کمتر از کیفرهای مندرج در ماده ۱۹۸ وتصرفه آن باشد راسا مبادرت بمنشاء حکم میکند و این حکم بجز در موارد مذکور در ماده ۲۸۴ قطعی است لکن هرگاه نظرش منتهی به کیفرهای مذکور شد بدون انشاء رای بدوا نظر واستنباط قضائی خود را بطور کتبی موجهابه دیوانعالی کشور ارسال میدارد . دیوانعالی کشور باملاحظه نظریه دادگاه ورسیدگی شکلی به پرونده امر چنانچه نظریسه راصحیح وموجه تشخیص داد آنرا تنفیذ و پرونده را اعاده مینماید تا رئیس دادگاه انشاء حکم نماید که در اینصورت رای صادره قطعی است .

ماده ۲۸۸ - هرگاه دیوانعالی کشور نسبت به نظریه قضائی دادگاه کیفری یک ایراد داشته یا نقائص ببیند نظر خود را مستدلا مینویسد و پرونده را به دادگاه رسیدگی کننده ارسال میدارد . اگر دادگاه نظر دیوانعالی را پذیرفت برابر آن حکم مقتضی صادر خواهد نمود . در غیر اینصورت پرونده را نزد ریاست کل دادگاهها ارسال مینماید تا حسب الارجاع در شعبه دیگری رسیدگی ماهوی شود شعبه مرجوع الیه نیز پس از رسیدگی چنانچه نظر دیوانعالی کشور را پذیرفت مطابق آن انشاء حکم مینماید والا پرونده مجددا به دیوان عالی کشور عودت داده میشود در چنین مواردی پرونده در هیات عمومی دیوان عالی کشور مطرح و طبق نظر اکثریت مطلق اعضاء به یکی از طرق زیر عمل میشود .

۱- در صورتیکه هیات عمومی دیوانعالی کشور نظر یکی از شعب دادگاه کیفری یک را صحیح وموجه تشخیص دهد در اینصورت پرونده را بهمان شعبه رسیدگی کننده ارسال میدارد که انشاء حکم نماید .

۲- نظرات قضائی دو شعبه رسیدگی کننده مشابه و هر دو صحیح وموجه است در این صورت پرونده به شعبه رسیدگی کننده ثانوی جهت انشاء حکم ارسال میشود .

۳- در غیر موارد مذکور در فوق هیات عمومی طبق نظریه اکثریت مطلق اعضاء پرونده را جهت ارجاع به یکی از شعب دیوانعالی نزد ریاست کل میفرستند شعبه مرجوع الیه دیوانعالی کشور مکلف است نسبت به موضوع پرونده ماهیتا رسیدگی وحکم مقتضی را انشاء نماید . حکم صادره قطعی است .